

# دیدگاه جغرافیای فرهنگی و شهر

دکتر حسین حاتمی نژاد  
عضو هیات علمی دانشگاه تهران  
سمیرا نودری

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

## چکیده

را فراگیرنده جغرافیای اجتماعی و اقتصادی می‌دانند، دیدگاه ارزشمندی است که به کمک آن می‌توان برخی از جهات و آثار اجتماعی - اقتصادی و کالبدی شهر را بررسی کرد. زیرا جغرافیای فرهنگی از یک سو به بررسی روابط، اثرات و کنش‌های متقابل انسان یا گروه‌های انسانی با چشم انداز طبیعی - زیستی، از نظر شکل دهی، شکل‌گیری و شوندگی آن به چشم‌انداز فرهنگی می‌پردازد و از سوی دیگر پی‌آمدهای روابط او را با همین چشم‌انداز فرهنگی خود ساخته بیان می‌کند. از این رو تبیین پراکندگی مکانی، روابط مکانی پدیده‌ها یا عناصر فرهنگی، که بر اثر رفتار گروه‌های انسانی در محیط ایجاد شده‌اند و یا می‌شوند در قلمرو این علم قرار می‌گیرند. تفسیر صورت و سیرت شهرهای ما از جمله وظایفی است که بر عهده علوم انسانی - هنری و از جمله جغرافیاست. بدین ترتیب جغرافیای فرهنگی نقطه مشترکی با جغرافیای کارکردگرا دارد، زیرا در اینجا نیز ما با کارکردهای اصلی گروه‌های انسانی و سازماندهی فضایی متناسب با کارکردها در دوره‌های مشخص اجتماعی - اقتصادی سروکار داریم (هادیانی، ۱۳۷۵: ۵۴-۵۳). جغرافیای فرهنگی در طی ربع قرن تغییرات مشخصی را تجربه کرده است (Cook et al, 2000: 70).

طی دو دهه گذشته جغرافیای فرهنگی دستخوش تغییرات مهم تئوریک، بنیادی، جوهری و مستدل‌وزیکی شده است (Duncan et al, 2004: 1).

## میراث مکتب جغرافیای فرهنگی برکلی

کارل ساور<sup>(۱)</sup>، مدیر گروه جغرافیا در دانشگاه برکلی، بیش از هر جغرافیدان دیگر، در مکتب جغرافیای فرهنگی برکلی و امریکا تأثیرگذار بوده است (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۰۶). در واقع ساور بنیانگذار مکتب جغرافیای فرهنگی برکلی می‌باشد و در تفکرات جغرافیایی خود به جای علیت محیطی - جبر محیطی از قلمرو کورولوژی مدد می‌گرفت که در آن روابط علی یک پدیدار در داخل ناحیه معین مورد توجه قرار می‌گیرد. او در تحلیلهای جغرافیایی به عامل فرهنگ، یعنی ارزشهای مشترک مردم، مذهب، ساختار اجتماعی و سازمان اقتصادی نقش خلاق قائل بود (شکویی، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

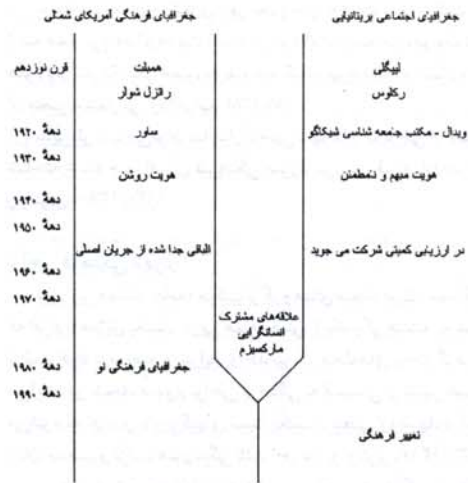
نظریه اینکه شهرها حامل فرهنگ، برگرفته از طبیعت و منعکس‌کننده طیف اهداف اجتماعی، فن‌آوری، ارزشها و نهادها می‌باشند، موضوعات مناسبی برای مطالعه جغرافیدانان فرهنگ به شمار می‌روند و بیش عمیقی نسبت به موزائیک انسانی ارائه می‌دهند، شهر نیز پدیده‌ای فرهنگی به شمار می‌رود و بنابراین پدیده‌ها از دیدگاه جغرافیای فرهنگی به شهر نگریست. جغرافیای فرهنگی، که برخی آن را فراگیرنده جغرافیای اجتماعی و اقتصادی می‌دانند، دیدگاه ارزشمندی است که به کمک آن می‌توان برخی از جهات و آثار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهر را بررسی کرد. جغرافیای فرهنگی مطالعه تغییرات فضایی گروه‌های فرهنگی و عملکرد فضایی جامعه را پوشش می‌دهد و بر توصیف و تجزیه و تحلیل نحوه تفاوت و یکسانی در زبان، مذهب، اقتصاد، حکومت و دیگر پدیده‌های فرهنگی از مکانی به مکان دیگر تکیه دارد. با توجه به اینکه فرهنگها توسط گروه‌های انسانی تشکیل می‌شوند از این رو جغرافیای فرهنگی نیز الزاماً انسانها را به صورت تجمعی مدنظر قرار می‌دهد. در این مقاله سعی شده است که ساختار داخلی شهر با برخی از مفاهیم شناخته شده دیدگاه جغرافیای فرهنگی همچون نواحی فرهنگی شهر، بخش فرهنگی و چشم‌انداز فرهنگی شهر بررسی شود.

## مقدمه

اگر به جهان اطراف نگاهی بیندازیم، آمیزه وسیعی از مردم مختلف را با آداب و رسوم و عقاید متفاوت می‌بینیم. این موضوع نکته آغازین حدیث جغرافیای فرهنگی است که با چشم‌اندازهایی که گروه‌های مستافت در مکانهای مختلف به وجود می‌آورند، ارتباط دارد (کرنگ، ۱۳۸۳: ۲۴).

اصطلاح جغرافیای فرهنگی بیش از آنکه به محیط زیست انسان معطوف باشد تکیه بر فرهنگ انسان دارد (جردن/اوتنری، ۱۳۸۰: ۱۰). فرهنگها، مجموعه‌ای از باورها یا ارزشهایی هستند که به روشهای زندگی معنی می‌دهند و اطلاعات و شکلهای نمادین تولید می‌کنند و از طریق آنها خود دوباره تولید می‌شوند (کرنگ، ۱۳۸۳: ۴). ارزشها، باورداشتها، آداب و رسوم زندگی، ابزارها و فنون مختلف و حتی نوع پوشش و مسکن نیز با تأثیرپذیری از فرهنگ است که در نگاه بیننده نوعی خاص از هویت را نمایانگر می‌شود (ترابی/ شیراسب، ۱۳۸۳: ۵). شهر نیز پدیده‌ای فرهنگی به شمار می‌رود و بنابراین باید از دیدگاه جغرافیای فرهنگی به شهر نگریست. جغرافیای فرهنگی، که برخی آن

خصوصاً از دهه ۱۹۸۰ به این طرف آنها دارای علاقه‌های مشترک در موارد مختلف بودند. نمودار ارائه‌شده توسط ویلیام نورتن<sup>(۹)</sup> به آسانی همه چیز را واضح می‌کند و ادغام جغرافیایی اجتماعی و فرهنگی را نشان می‌دهد. (Norton, 2000: 232)



نگاره (۱): جغرافیای فرهنگی و جغرافیای اجتماعی: منشأها، نگرانیها و ادغام و یکی شدن آنها. این یک نمودار طراحی و تقیه‌کشی شده است و هدفش بزرگ کردن ریشه‌های مجزا، نقاط مورد توجه و نگرانی‌ها و تفاوت و ادغام شدن دو گرایش می‌باشد که در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و نیز سنتهای جغرافیای اجتماعی و فرهنگی همگون شدند (ibid: 233)

### شهر در زمان و فضا

اگر تمام عمر نوع بشر را روی کره زمین با ۲۴ ساعت یک شبانه روز معمولی مقایسه کنیم، در این صورت طی نیم ساعت آخر آن سکونتگاههایی با بیش از صد نفر شکل گرفته است. از زمانی که شهرهای کوچک و بزرگ برای اولین بار ظاهر شدند، فقط چند دقیقه می‌گذرد و از شهرنشینی در مقیاس وسیع نیز کمتر از ۶۰ ثانیه می‌گذرد. بنابراین، این تحولات نتیجه دقایقی است که براساس گذشته ما آن را به صورت مجموع پیچیدگی‌های فرهنگی تمدن که از شهر تفکیک‌ناپذیر است در نظر می‌گیریم. شهرنشینی ۲۰ سال اخیر ریشه در پیوندهای میان فرهنگ، جامعه و شهر دارد. انفجار شهری به موازات انقلاب صنعتی حرکت کرده است. شهرها با نرخ بی‌سابقه‌ای رشد نموده‌اند و سبک زندگی شهری به طور فزاینده‌ای جایگزین سبک زندگی روستایی شده است (جردن لاونتری، ۱۳۸۰: ۳۷۵-۳۷۶)

بنابراین هر شهری بستگی دارد به این که مردم چگونه عوامل

کارل ساور با وام‌گیری از دو انسان‌شناس برجسته، آلفرد کروبر<sup>(۲)</sup> و رابری لوی<sup>(۳)</sup> مفاهیم لیبرالی را در جغرافیای فرهنگی به خدمت گرفت. ساور این نظریه کروبر را همواره در نظر داشت که فرهنگ، ویژگی‌های گروه‌های انسانی می‌باشد نه ویژگی‌های فردی. از این رو می‌گفت: جغرافیای انسانی فقط با سازمانها، نهادها و فرهنگها سروکار دارد نه با افراد (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۰۶).

کارل ساور در مطالعات جغرافیایی خود به محیط طبیعی به صورت مجرد نمی‌نگرد و جبر محیطی را نمی‌پذیرد بلکه محیط جغرافیایی را در کلیت آن که هم دارای پدیده‌های طبیعی و هم شامل پدیده‌های فرهنگی است بررسی می‌کند (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۴). طی نیمه اول قرن بیستم، توجه کارل ساور و دانشجویان او در مکتب برکلی به بررسی روابط انسان و محیط، فرهنگ عمده و کلی، و تفسیر چشم‌انداز نواحی معطوف بوده است که هدف جغرافیادانان فرهنگی بوده است و جغرافیادانان فرهنگی به تمرکز توجه خود بر روی آنها ادامه خواهند داد. بکارگرفتن ادراک‌های تئوریک از تاریخ انسان‌شناسی فرهنگی و دورنمای تاریخی طی این دوره بر ماهیت وابسته جغرافیایی فرهنگی تأکید کرده‌اند، و این گرایش حتی امروز نیز ادامه دارد. ورود تئوری پوزیتیویست به جغرافیا، روانشناسی رفتاری و روشهای کمی تا حد زیادی در دهه ۱۹۶۰ جغرافیادانان فرهنگی را تحریک نمود تا تأکید حاکم بر روی ابعاد سمبولیک فعالیت‌های بشری می‌باشد. (Duncan et al, 2004: 1)

### ادغام جغرافیای اجتماعی و جغرافیای فرهنگی

عبارت (جغرافیای اجتماعی) توسط جامعه‌شناسان مکتب لیپلی<sup>(۴)</sup> در دهه ۱۸۸۰ بوسیله رکلوس<sup>(۵)</sup> در دهه ۱۸۹۰، استفاده می‌شد و یک پروپزال دارای جزئیات زیاد و کامل بوسیله هوکه<sup>(۶)</sup> (۱۹۰۷) درباره آن تهیه شده بود. اما هیچکدام از این تحولات تأثیر قابل‌اهمیتی بر روی جغرافیا نداشت، تا فرانسسیدن دهه ۱۹۳۰ هنوز جغرافیای اجتماعی به عنوان یک دیسپلین آکادمیک وارد میدان نشده بود. در دهه ۱۹۳۰ جغرافیای اجتماعی به عنوان یک دیسپلین وابسته به فلسفه و علوم درسی یک بنیانه پراگماتیک بوسیله راکسی<sup>(۷)</sup> (۱۹۳۰) ظهور کرد. نتیجه آن بود که جغرافیای اجتماعی بریتانیایی در جوهر و اساس خود را نگران توزیع منطقه‌ای و ناحیه‌ای جمعیت، حرفه‌ها و مشاغل و مذهب نمود. تارلسیدن دهه ۱۹۶۰ جغرافیای اجتماعی بریتانیایی به سبب وجود انگیزه‌ها و محرکهای فکری متفاوت یک قلمرو ناستوار و نامطمئن بود. در همان زمان جغرافیای فرهنگی امریکای شمالی دارای هویت خیلی واضح‌تری بود، دارای فقط یک مکتب فکری حاکم بر آن بود آن هم مکتب ساورین<sup>(۸)</sup> بود که بر روی تحول، نواحی و اکولوژی کانون داشت. در دهه ۱۹۷۰ ادغام منافع این دو گروه روی داد و طبق اظهارات عده‌ای از افراد، این ادغام بطور هماهنگ و یکنواخت به وقوع پیوسته است، به

می‌شوند. الگوی استقرارخانه‌ها، محلات و ادارات، کارخانه‌های در شهر از تقابل و تعامل مستمر این دو نیرو و نتیجه می‌شوند (جردن/راونتری، ۱۳۸۰: ۴۴۲)

### چشم انداز فرهنگی شهر

اگر سؤال (زمین چه اثراتی در انسان دارد؟) کنار گذاشته شود و به جای آن پرسش (انسان چگونه سطوح و عوامل مختلف سیاره زمین را دگرگون می‌سازد و آن را به نفع خود به خدمت می‌گیرد؟) مطرح گردد به درک مفاهیم فرهنگ در مطالعات جغرافیایی نزدیک‌تر خواهیم شد (شکویی، ۱۳۷۲: ۱۲۱).

چشم‌اندازهای فرهنگی با ساختار درونی خود نیز حاصل مجموعه‌ای از کارکردهای چهره آفرین و فعالیتهای نقش‌گذار گروه‌های اجتماعی، اصم از ایجاد، تبدیل و یا تغییر شکل چشم‌اندازهای طبیعی - زیستی برای تأمین نیازهای عملی انسان یا گروه‌های انسانی هستند (هادیانی، ۱۳۷۵: ۵۴-۵۳).

چشم‌اندازهای فرهنگی مایملک شخصی نیستند. بلکه عقاید، تجربیات و فناوری جامعه یا فرهنگ را منعکس می‌کنند. چشم‌اندازها مانند فرهنگ جمع بندی این عناصر را با هم منعکس می‌کنند، چرا که فرهنگ نیز دارایی فردی نبوده تنها در جامعه می‌تواند پایدار بماند (کرنگ، ۱۳۸۳: ۲۵).

محتوی چشم‌انداز فرهنگی متنوع و پیچیده است. اکثر مطالعات جغرافیایی بر سه وجه اصلی چشم‌انداز یعنی الگوهای سکونتگاهی، الگوهای تقسیم زمین و معماری تأکید دارند. در مطالعه الگوهای سکونتگاهی شهر جغرافیدانان فرهنگی به شرح و تبیین آرایش فضایی ساختمانها، جاده‌ها و دیگر اشکالی که انسان هنگام سکونت خود ساخته است می‌پردازند. الگوهای تقسیم زمین روشنگر نحوه تقسیم اراضی جهت مصارف اقتصادی و اجتماعی است. چنین الگوهایی از مکانی به مکان دیگر بسیار متفاوت است. شاید هیچ‌یک از وجوه چشم‌انداز انسانی به سهولت سبک معماری یک فرهنگ در سطح زمین قابل رؤیت نباشد. به عنوان مثال در فرهنگ امریکای شمالی تضاد سبک معماری از چشم هیچ بیننده‌ای پوشیده نمی‌ماند. کلیساهای سفید بسیار زیبا در نیوانگلند، اسقف نشین‌های معظم شهری، بناهای یادبود، آخرین بقایای ساختمان کوچک قرمز رنگ مدارس و مدارس بدون پنجره در شهرها از آن جمله‌اند. چنین معماری به منزله سند روشنی در ارتباط با فرهنگ ساکنان این منطقه تلقی می‌شود. بدین دلیل، جغرافیدانان فرهنگی به طور سنتی به این ساختار توجه قابل ملاحظه‌ای مذبذول داشته‌اند (جردن/راونتری، ۱۳۸۰: ۴۰).

### مفاهیم در مطالعه چشم انداز شهر

نحوه عملکرد یک فرهنگ بومی و محلی است که سیمای پراکندگی مردم، مسکن، کاربریهای زمینی (روستایی یا شهری) و

سنتی اقتصادی زمین، نیروی کار و سرمایه را با هم ترکیب کنند. بنانهادن شهر به معنای ساختن فضاها و گفتگو و کنش متقابل، هماهنگی و رابطه بین نیروها است. فرهنگ شهری آفریده‌ای جمعی است. شالوده آن را مناسبات و مراودات تشکیل می‌دهد (گروه نویسندگان، ۱۳۷۹: ۱۸۲).

به اعتقاد برنامه ریزان شهری شهر مجموعه‌ای به هم پیوسته و ترکیب شده از سه عنصر فرم، فضا و فعالیت قلمداد می‌شود که این سه جزء در یک شهر همواره در کنار یکدیگر حضور دارند و فرهنگ نیز پیونددهنده و اتصال دهنده آن عناصر به شمار می‌رود (غراب، ۱۳۸۴: ۷۷).

بدین ترتیب می‌توان ساختار داخلی شهرها را با برخی از مفاهیم شناخته شده جغرافیایی فرهنگی مورد بررسی قرارداد (جردن/راونتری، ۱۳۸۰: ۴۳۸)

### نواحی فرهنگی شهری

شهر نیز همانند جامعه مرکب از گروه‌های متعدد است. همانگونه که افراد با علایق یکسان در پی هم صحبتی با یکدیگر هستند به همین ترتیب افراد با مواضع و شرایط واحد نیز در محله‌های واحد گرد هم می‌آیند. در نتیجه، مفهوم نواحی فرهنگی به قسمتی از شهر اطلاق می‌شود که افرادی با ویژگیهای نسبتاً یکسان نظیر ارزشها، درآمد، زبان، مذهب و نژاد با هم زندگی کنند (جردن/راونتری، ۱۳۸۰: ۴۳۸).

بسیاری از شهروندان از وجود این نواحی فرهنگی مستقیماً آگاهند. شواهد بصری مانند اندازه و شرایط خانه‌ها، سبک لباس و نوع اتومبیل‌ها به طبقه بندی برخی نواحی شهری به عنوان محلات اعیان نشین، زاغه نشین، محله لهستانی و محله چینی‌ها کمک می‌کند. جغرافیدانان فرهنگی در برخورد با نواحی شهری با سؤلهای متعددی روبرو می‌شوند. چگونه یک فرد میان نواحی نژادی و نواحی اجتماعی تفاوت قائل می‌شود؟ چرا افراد با ویژگیهای اجتماعی مشترک در مکانی واحد جمع می‌شوند؟ چه الگوهای دقیقی در این نواحی فرهنگی وجود دارد و چگونه انسان می‌تواند بخش‌های شهری را حدودبندی کند؟ (جردن/راونتری، ۱۳۸۰: ۴۳۸)

### بخش فرهنگی و شهر

الگوی فعالیتهای شهری نتیجه تأثیر هزاران تصمیم فردی در ارتباط با مکان است. این تصمیم‌ها شامل تعیین محل استقرار مغازه‌ها و محل سکونت در مرکز یا پیرامون شهر می‌شود. نتیجه نهایی چنین تصمیم‌هایی گسترش حاشیه شهر و جابه جایی فعالیتها از مکان دیگر شهر است. جغرافیدانان فرهنگی این گونه تصمیم‌ها را در چارچوب بخش انبساطی و بخش جابه جایی می‌نگرند. برای درک نقش فرایند بخش لازم است که شهر به دو ناحیه مرکز و پیرامون تقسیم شود. در فرایند بخش، نیروهایی که باعث استقرار خانه‌ها، مغازه‌ها و کارخانه در قسمتهای درونی و مرکز شهر می‌شوند (نیروهای تمرکزگرا) و نیروهایی که موجب استقرار فعالیتها در پیرامون شهر می‌گردند (نیروهای تمرکززدا) نامیده

## سیمای شهر (چشم انداز های شهری)

فهم چشم انداز های شهری مستلزم ارزیابی فرایندهای شهری در گذشته و حال است. الگوهای نظیر شکل ساختمان، معماری، نقشه خیابانها و کاربری زمین که امروز مشاهده می شوند ترکیبی از فرهنگهای گذشته و حال است. این الگوها منعکس کننده احتیاجات، تفکرات، فن آوری و نهادهای جوامع انسانی است (جردن/ راوتری، ۱۳۸۰: ۳۹۳)

در توجیه سیمای شهر یا چشم انداز های شهری می توان به مهمترین مشخصه های آن نظیر نقشه خیابانها و انواع ساختمانهای موجود در شهر اشاره نمود. شهرهای جهان از لحاظ کیفیت شکل و معماری ساختمانها به طور عمده ای با یکدیگر تفاوت دارند. شهرهای امریکایی ضمن آنکه دارای توسعه افقی بوده اند، دارای توسعه عمودی نیز می باشند و گسترش آسمانخراشها از ویژگیهای آنها به شمار می روند. در هر حال آسمانخراشها هم به عنوان مشخصه های مهم فرهنگی محسوب شده و نمایش دهنده فرهنگ امریکایی می باشند. شهرهای اروپایی در برگیرنده ساختمانهای بسیار قدیمی هستند که شاید بقایای معماری شهرهای دیوار دار باشند. یک کلیسای اسقفی، یک شهر داری دوره قرون وسطایی و یک قلعه نظامی باستانی دارند. در اینجا باید توجه داشت که عوامل فرهنگی مردم، خصوصاً مذهب به عنوان یک مشخصه مهم در چشم انداز های شهری منعکس شده است. در این مورد می توان به نقش بسیار حیاتی بقاع متبرکه و مساجد جامع در کشورهای اسلامی جهان و خصوصاً شهرهای بزرگ آنها اشاره نمود. معمولاً این بقاع متبرکه و مساجد در کانون یا نقل اولیه شهر قرار دارند و سپس در طی توسعه و تحول شهر همواره ترمیم و نوسازی شده اند و به ادامه نقش خود مشغولند. در حال حاضر در کشورمان شهرهای مقدس مشهد و قم نمونه های مهمی در این مورد محسوب می شود. آنچه در پایان این قسمت باید مورد اشاره قرار گیرد آن است که طرح و نقشه خیابانهای شهری، شکل ساختمانهای خصوصی و عمومی و مصالح ساختمانی بکار رفته در آنها همگی در ارتباط با عملکرد و نقش جغرافیایی می باشند. علاوه بر دخالت عوامل جغرافیایی طبیعی، خصوصیات فرهنگی مردمان ساکن آن شهر و یا کسانی که این نقاط را مستعمره خود قرار داده اند همگی در ایجاد شکل ظاهری یا سیمای شهری دخالت داشته و نهایتاً ساختاری به وجود آورده اند که ما امروز آن را مشاهده می کنیم (بهرروز، ۱۳۷۴: ۳۱۱-۳۰۹)

## فرهنگ شهری

فرهنگ نمی تواند فقط به مردمان دوردست منحصر شود یا به هنرهای والا و متعالی محدود گردد. فرهنگ بخشی از زندگی روزمره ماست و در واقع چیزی است که به زندگی معنی می دهد (کرننگ، ۱۳۸۲: ۱۳).

شهر فرهنگی، شهری بر شمرده می شود که دارای عناصر، بافت و منابع فرهنگی باشد. اما منظور از فرهنگ شهری چیست؟ آیا فرهنگ شهری همان فرهنگ شهرنشینی است؟ هنگامی که از فرهنگ شهری سخن به میان می آید منظور قواعد، هنجارها، ارزشهای است که با این چهار

کوچه ها و جاده را توجیه می نماید. بنابراین طبیعی خواهد بود که مجسم نماییم تا چه حد چشم انداز فرهنگی روستایی ساده و کم وسعت است. در حالی که چشم انداز شهری ترکیبی از پیچیدگیها بوده و معمولاً مساحت بزرگی را در یک موقع جغرافیایی به خود اختصاص می دهد (بهرروز، ۱۳۷۴: ۱۵).

جغرافیدانان فرهنگی به منظور دستیابی به اطلاعات گوناگون چشم انداز های شهری را به وسیله برخی از مفاهیم سازمان یافته متداول در تحقیق چشم اندازها مورد مطالعه قرار می دهند. به دو مورد از این مفاهیم اشاره می شود:

۱- پویایی چشم انداز: مردم امریکای شمالی پر تحرک و طالب تغییرند و به ساخته های تاریخی و قومی خود دلبستگی کمتری دارند (جردن/ راوتری، ۱۳۸۰: ۴۷۷)

در دو دهه اخیر در ایالات متحده حرکت مردم با شتاب بسیار از بخش مرکزی شهرها و شهرهای مرکزی به سوی حومه ها و شهرهای اقماری شروع شده است. در این جابه جایی بخش مرکزی شهرهای امریکا به کم درآمدها و سیاهان اختصاص یافته است (شکویی، ۱۳۷۹: ۱۲).

زمینهای کشاورزی بلااستفاده در حومه های شهر، تخریب ساختمانهای قدیمی به منظور احداث مسکن جدید نمونه هایی از تغییر و تحولات دائمی هستند. تمامی این تحولات حکایت از فرایندهای ویژه ای دارند که بر تغییر شهری تأثیر می گذارند و چشم انداز های شهری نیز وفادارانه منعکس کننده این پویایی می باشند. به طور کلی توجه به چشم اندازها به منظور فهم چگونگی تغییر در شهر مفید است. این امر نه فقط از آن جهت مهم است که چشم اندازها اولین مکانی هستند که تغییرات در آنها ظاهر می شود بلکه استناد بر تغییرات چشم اندازها در طی زمان بیش اندیشمندانهای را برای انتخاب مسیر توسعه سکونتگاهها در آینده ارائه می دهند.

۲- چشم انداز های نمادین شهر: چشم اندازها پیامهایی به مراتب فراتر از پیامهای اقتصادی دارند. چشم اندازها مملو از معانی استعاری- احساسات درونی، خاطرات و محتویاتی ضروری برای بافت اجتماعی شهر می باشند. در نظر برخی افراد، آسمانخراشها مفهومی بیش از ساختمانهای بلند صرفاً اداری دارند.

این بناها نشانه هایی از پیشرفت، اعتبار اقتصادی، تجدید حیات مرکز تجاری شهر و هویت صنعتی به همراه خود دارند. در شهرهای امریکایی آسمانخراشها به عنوان مشخصه های مهم فرهنگی شهر محسوب می شوند و فرهنگ امریکایی را نشان می دهند. جغرافیدانان فرهنگی علاقه مندند بدانند که چشم انداز های شهری و نقاط راهنا اعم از این که بر پایه واقعیات و ساخته تمالیات متنوع و درهم تنیده انسان باشند چگونه اهمیت نمادین می یابند. جغرافیدانان فرهنگی همچنین به ارزیابی اثر چشم انداز های نمادین شهر علاقه مند هستند. بالاخره پیامهای مشترک، لاینفک و نهفته در تمام چشم اندازها معمولاً تعیین کننده چگونگی برخورد با محیط، مدیریت، تغییر و حفظ آنهاست (جردن/ راوتری، ۱۳۸۰: ۴۸۱-۴۷۷)

- ۳- جردن، تری ج. روتری، لستر: مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی - محمد سلیمانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول ۱۳۸۰.
- ۴- حاتمی زاده، حسین: مکتبهای جغرافیای انسانی، سمینار درسی کارشناسی ارشد گرایش جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۸۴.
- ۵- رنه شورت، جان: نظم شهری - درآمدی بر شهرها، ترجمه اسماعیل چاوشی، نشر دانشگاه تربیت معلم، زمستان ۱۳۸۱.
- ۶- شکویی، حسین: دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۳.
- ۷- شکویی، حسین: فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی، چاپ دهم، پاییز ۱۳۷۹.
- ۸- شکویی، حسین: اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی، چاپ پنجم، پاییز ۱۳۸۱.
- ۹- شکویی، حسین: اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم (فلسفه‌های محیطی و مکتبهای جغرافیایی)، انتشارات گیتاشناسی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲.
- ۱۰- خراب، ناصرالدین: (شهر و برنامه ریزی فرهنگی)، ماهنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع رسانی، برنامه ریزی و مدیریت شهری، وزارت کشور، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، دوره جدید، سال ششم، شماره ۷۲، اردیبهشت ۱۳۸۴.
- ۱۱- فرقانی، سیدمصطفی: (تغییر یافته‌های فرهنگی ضربه سهمگین به اجتماع)، روزنامه کیهان، روز سه شنبه ۱۳۸۴/۱۱/۲۵، شماره ۱۸۴۵۳، ص ۷.
- ۱۲- کرنگ، مایک: جغرافیای فرهنگی، ترجمه مهدی فرخو، انتشارات سمت، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۳.
- ۱۳- گروه نویسندگان: گزارش جهانی فرهنگ (فرهنگ، خلاقیت و بازار)، ترجمه گروه مترجمان، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، چاپ اول ۱۳۷۹.
- ۱۴- هادیانی، زهره: (نگاهی بر جایگاه نظریه‌ای در شهرشناسی - جغرافیای ایران - مورد زاهدان)، مجله رشد آموزش جغرافیا شماره ۴۰، بهار ۱۳۷۵.
- 15- Cook, Ian, Crouch, David, Naylor, Simon, Ryan James R, 2000. cultural Turns/Geographical Turns, prentice hall.
- 16- Duncan, James S, Johnson, Nuala C, Schein, Richard H, 2004, Acompanion to cultural Geography. Black well publishing.
- 17- Norton, William, 2000, cultural Geography, oxford university Press Canada.

#### پی نوشت

- 1) Carl sauer
- 2) Alfred kroeber
- 3) Rabert lowie
- 4) Le Play
- 5) Reclus
- 6) Hoke
- 7) Roxby
- 8) Sauerian
- 9) William Norton

حوزه سکونت، کار، ارتباطات و فراغت مرتبط اند. معنای دیگر از فرهنگ شهری نیز وجود دارد که توجه به منابع فرهنگی از جمله بناهای تاریخی، خرده فرهنگها، صنایع دستی، آداب و رسوم، فولکلور و منابعی است که زاده زیست بوم شهری اند. بنابراین فرهنگ شهری مفهوم عام و گسترده است که فرهنگ شهرنشینی در دل آن جای می‌گیرد (ترابی / شیراسب، ۱۳۸۳: ۶).

نگاه تازه‌ای به شهر، انعکاس و تجسم فرهنگ جدید شهری است که موجب کاهش خیرخواهی در حکومت‌های شهری و ملی در راه دستیابی به رفاه اجتماعی، ارزش‌های عمومی و بسیاری از موارد مشابه که به کیفیت زندگی شهری می‌انجامد شده است (رنه شورت، ۱۳۸۱: ۳۳). بافت‌های فرهنگی که مجموعه‌ای از آداب و سنن و معرفت و هنجارهای اجتماعی هر شهر و روستا و منطقه‌ای را در برداشته‌اند دچار تغییر شده‌اند (فرقانی، ۱۳۸۴: ۷). به هر حال ظهور فرهنگ جدید شهری حداقل فرصتی برای بحث و انتقاد خواهد بود. زمانی که کارهایی بی‌دریی در حال تغییر باشند، که اکنون هستند، فرصتهای زیادی برای شنیدن صداهای دیگر هست. شهر مدرن تنها با یک هدف و با یک نمایش یا شکوه اداره می‌شود. شهر بسامدن به نظر می‌رسد که بافت ثروتمندتر و شکل‌های متنوع‌تر داشته باشد. بعضی‌ها خوب، برخی‌ها بد و خیلی‌ها مابین این دو خواهند بود. بررسی تکامل این شکل جدید فرهنگ شهری یکی از چالترین موضوعات تحقیقی در سالیان دراز خواهد بود (رنه شورت، ۱۳۸۱: ۳۵).

#### نتیجه‌گیری

شهرها به عنوان تجلی‌گاه هنرهای انسان، چشم‌اندازهای فرهنگی پرجاذبه‌ای را ارائه می‌دهند که حاوی پیام‌های دیرباره ما و کنش متقابلمان با محیط است. چشم‌اندازهای شهری انواع گوناگونی از اطلاعات را در باره تغییرات گذشته، وضع کنونی، ارزشهای بصری و نمادین که تمامی آنها در معرض تخیلات و ادراکات فردی نیز هست، منتقل می‌کنند. نظر به اینکه شهرها حامل فرهنگ، برگرفته از طبیعت و منعکس‌کننده طیف اهداف اجتماعی، فن آوری، ارزشها و نهادهای ما هستند، موضوعات مناسبی برای مطالعه جغرافیدانان فرهنگی به شمار می‌روند و بینش عمیقی را نسبت به موزائیک انسانی ارائه می‌دهند. جغرافیدانان فرهنگی به وسیله مفاهیم شناخته شده این مکتب به بررسی تفاوت‌های فضایی درون شهری، تفاوت‌های داخلی و ناحیه‌ای، بافت ظریف و پیچیده شهری می‌پردازند.

#### منابع

- ۱- بهروز، فاطمه: زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تیرماه ۱۳۷۴.
- ۲- ترابی، علیرضا، شیراسب، راحله: (شهر فرهنگی و فرهنگ شهری)، ماهنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع رسانی، برنامه ریزی و مدیریت شهری، وزارت کشور، سازمان شهرداریها، دوره جدید، سال ششم، شماره ۶۴، شهریور ۱۳۸۳.